



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# فرهنگ عاشورا در ظهور

مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام  
و قیام امام زمان علیه السلام

استاد حسین گنجی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ عاشورا در ظهور: مقایسه‌ای بین قیام امام حسین علیه‌السلام و قیام امام زمان علیه‌السلام

نویسنده:

حسین گنجی

ناشر چاپی:

طوبای محبت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	فرهنگ عاشورا در ظهور : مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۱۹	پیشگفتار
۲۳	فصل اول
۲۳	اشاره
۲۳	اهداف مشترک
۲۴	دل شکسته ی آدم
۲۵	بیماری ابراهیم خلیل
۲۶	جنون عشق
۲۷	امام زمان علیه السلام در کتب انبیا
۲۸	یاد امام زمان علیه السلام در زیارت عاشورا
۲۹	لوط پیامبر در آرزوی امام زمان علیه السلام
۳۰	گریه برسید الشهداء علیه السلام
۳۰	گریه های امام حسین علیه السلام
۳۱	تناسب رفتار
۳۲	دل های مضطر
۳۳	زاری و شیون
۳۴	زنده کننده ی فرهنگ کربلا
۳۵	فصل دوم
۳۵	اشاره
۳۵	عصر جهالت و نادانی

۳۶	نجات بشر از جهل و سردرگمی
۳۷	کمال خرد و اخلاق
۳۷	به پا داشتن نماز
۳۹	روح نماز
۴۰	استعانت از خدا
۴۰	عظمت خدا
۴۱	زکاتی فراگیر و بی نظیر
۴۲	بزرگ ترین معروف
۴۳	ویزگی های یاران مهدی علیه السلام
۴۴	احمد چلوبی
۴۴	تفسیر کربلا
۴۷	فصل سوم
۴۷	اشاره
۴۷	اصلاح جامعه
۴۸	مصلح جهانی
۴۹	بندگی خدا
۵۰	زمینه ساز حرکت فرهنگی شیعی
۵۱	کارخانه انسان سازی
۵۲	پدر بندگان خدا
۵۳	پدر بندگان صالح
۵۵	فصل چهارم
۵۵	اشاره
۵۵	برترین یاران
۵۶	یاران سست عنصر
۵۷	برترین اهل هر عصر
۵۷	حق باوری

۵۹	شیران بیشه ی کارزار
۵۹	انقلاب الهی
۶۱	دل های آهنین
۶۲	ارادتی عاشقانه
۶۳	یاران شیدایی
۶۴	اطاعتی خالصانه
۶۵	بوسه گه اهل نظر
۶۵	حمایت عاشقانه
۶۶	عبادت و راز و نیاز
۶۶	همچون زمزمه ی زنبور عسل
۶۷	یاد نماز
۷۱	فصل پنجم
۷۱	اشاره
۷۱	تشابه یاران
۷۲	فلسفه ی قیام
۷۳	شهادتگاه عشاق
۷۵	تبرک عاشقانه
۷۶	فانی در ولایت
۷۹	کتابنامه
۸۳	درباره مرکز

## فرهنگ عاشورا در ظهور : مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : گنجی، حسین، 1333 -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ عاشورا در ظهور : مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام/حسین گنجی ؛ ویراستار اکبر اسدی.

مشخصات نشر : قم: طوبای محبت، 1398.

مشخصات ظاهری : 88ص.؛ 14/5×21/5 س م.

شابک : : 4-366197-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

عنوان دیگر : مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق.

موضوع : Hosayn ibn 'Ali, Imam III , 625-680

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع : واقعه کربلا، 61ق -- تاثیر

Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680 -- Influence

مهدویت -- انتظار

Mahdism -- \*Waiting

واقعه کربلا، 61ق -- احادیث

Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680 --- Hadiths

رده بندی کنگره : BP41/5

رده بندی دیویی : 297/9534



شماره کتابشناسی ملی : 6054401

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

علیرضاگنجی : 09191951622

خیراندیش دیجیتالی : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

**اشاره**



فرهنگ عاشورا در ظهور

مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام

استاد حسین گنجی

ص: 3

گنجی حسین

فرهنگ عاشورا در ظهور: مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام/ حسین گنجی، قم: مهدی جویان،  
72 1389 ص

:ISBN

3-0-92310-600-978

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا

کتابنامه همچنین به صورت زیر نویس

1. مهدویت 2. محمد بن حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف امام دوازدهم 255 ق-3 واقعه کربلا 61 ق.م. الف.عنوان.ب. مقایسه ای بین  
قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام

BP 224/4/9گ/4ف

297/462

فرهنگ عاشورا در ظهور

مقایسه ای بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام

مولف: حجت الاسلام والمسلمین استاد حسین گنجی

ناشر: مهدی جویان

تدوین و ویرایش: حجت الاسلام اکبر اسدی

شمارگان: 700

لیتوگرافی: پردیس

چاپ: دوم

چاپخانه: گل وردی

قیمت: 20000

مرکز پخش

09191951622 علیرضا گنجی

ص: 4

پیشگفتار...9

(1)

اهداف مشترک...13

دل شکسته ی ادم...14

بیماری ابراهیم خلیل...15

جنون عشق...16

امام زمان علیه السلام در کتب انبیا...17

یاد امام زمان علیه السلام در زیارت عاشورا...18

لوط پیامبر در ارزیابی امام زمان علیه السلام...19

گریه بر سید الشهداء علیه السلام...20

گریه های امام حسین علیه السلام...20

تناسب رفتار...21

دل های مضطرب...22

زاری و شیون...23

زننده کننده ی فرهنگ کربلا...24

(2)

عصر جهالت و نادانی...25

ص: 5

26... نجات بشر از جهل و سردرگمی...

27... کمال خرد و اخلاق...

27... به پا داشتن نماز...

29... روح نماز...

30... استعانت از خدا...

30... عظمت خدا...

31... زکاتی فراگیر و بی نظیر...

32... بزرگ ترین معروف...

33... ویژگی های یاران مهدی علیه السلام...

34... احمد چلوبی...

34... تفسیر کربلا...

«3»

37... اصلاح جامعه...

38... مصلح جهانی...

39... بندگی خدا...

40... زمینه ساز حرکت فرهنگی شیعی...

41... کارخانه انسان سازی...

42... پدر بندگان خدا...

43... پدر بندگان صالح...

«4»

45... برترین یاران...

ياران سست عنصر...46

برترين اهل هر عصر...47

ص:6



حق باوری...47

شیران بیشه ی کارزار...49

انقلاب الهی...49

دل های اهنین...51

ارادتی عاشقانه...52

یاران شیدایی...53

اطاعتی خالصانه...54

بوسه گه اهل نظر...55

حمایت عاشقانه...55

عبادت و راز و نیاز...56

همچون زمزمه ی زنبور عسل...56

یادنماز...57

«5»

تشابه باران...61

فلسفه ی قیام...62

شهادتگاه عشاق...63

تبرک عاشقانه...56

فانی در ولایت...66

کتابنامه...69

ص: 7

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَفْضَلِ السُّفَرَاءِ الْمُقَرَّبِينَ  
وَ حَبِيبِ آلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَمْجِدِينَ سَيِّمًا مَوْلَانَا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ  
رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ص: 8

إِنَّهُ لَا يَجِدُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنْ لَا خَيْرَ نَامَالًا وَأَوْلِيًّا؛ بدون تردید هیچ بنده ای حقیقت ایمان را درک نمی کند، مگر اینکه به این باور قلبی برسد که آنچه برای اولین ماست، برای آخرین ما نیز هست.

امام صادق علیه السلام، بحار الانوار، ج 25، ص 359

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

با تفکر و اندیشه در تاریخ زندگی پیشوایان بزرگ شیعه و بررسی شیوه های رفتاری و سیره های عملی آنان در هدایت جامعه و بررسی آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به این نکته پی می بریم که همه ی این پیشوایان و نگاهبانان سنگر وحی و حافظان دین، یک هدف بزرگ را دنبال می کردند. و این همان هدف بعثت انبیای الهی، به ویژه پیامبر خاتم صل الله علیه و اله بوده است.

انبیا آمده اند تا انسان ها را از زیر یوق بندگی شیاطین و هواهای نفسانی برهانند و تحت عبودیت خالق هستی قرار دهند و از انسان یک موجود الهی بسازند و به تعبیر قرآن کریم:

ص: 9

«وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ (1) و از دوش آنان بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن ها بود برمی دارند. چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام هدف بعثت پیامبر اسلام را این گونه تبیین می فرماید:

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ (2)؛ خداوند محمد صل الله عليه و اله را به حق مبعوث ساخت تا بندگانش را از پرستش بت ها خارج و به عبادت خود دعوت کند و آن ها را از زیر بار طاعت شیطان آزاد ساخته، به طاعت خود سوق دهد.

بنابراین در این که همه ی ائمه علیهم السلام هدف را دنبال می کنند تردیدی نیست. بلکه همه ی آنان در آفرینش و فضل و دانش همسان و همانندند. و امام صادق علیه السلام چه زیبا به این حقیقت اشاره می فرماید:

خَلَقْنَا وَاحِدًا، وَعَلَّمْنَا وَاحِدًا، وَفَضَّلْنَا وَاحِدًا، وَكَلَّمْنَا وَاحِدًا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى؛ (3) خلقت ما، علم ما و فضل ما، همه در نزد خدا یکی است. و همه ی ما در نزد خدای متعال یکی هستیم.

یعنی همه ی ما در فضائل و کمالات، در وحدت کامل به سر می بریم. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره چهارصد و بیست فضیلت برای امامان معصوم علیهم السلام بیان می فرماید که از وجود همه ی این فضائل در همه ی آنان حکایت می کند.

إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ؛ (4) اگر از خیر و نیکی ذکری شود، اول و اصل و فرع و معدن و محل و مبدأ و منتهای هر خیر و نیکی شماست.

ص: 10

1- سوره ی اعراف، آیه ی 157

2- نهج البلاغه، خطبه ی 147

3- بحار الانوار، ج 36، ص 399

4- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ی کبیره.

هر چند پیشوایان ما در فضل و فضیلت و هدف یکسان اند، لکن فراز و نشیب های جامعه و موقعیت ها و شرایط مختلف و متفاوتی که در عصر هر یک از آنان وجود داشت، سبب شد که هرکدام به شیوه ای فراخور آن شرایط و موقعیت ها رفتار کنند و وظیفه ی الهی خود را به بهترین نحو عملی سازند. از این رو دلیل تفاوت هر یک از ائمه علیهم السلام را در لا هدایت جامعه، می توان در مقتضیات زمان جست و جو کرد.

اگر می بینیم امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه صلح کرد، در آن

موقعیت، حیات دین خدا جز با آن میسر نبود. اگر می بینم امام حسین علیه السلام علیه یزید قیام نمود، احیای دین خدا در آن شرایط چنین اقتضا می کرد. بنابراین اگر امام حسن علیه السلام در همان شرایط امام حسین علیه السلام قرار می گرفت، همان شیوه ی قیام را پیش می گرفت و بالعکس.

در حقیقت این تفاوت ها مربوط به تجلیات و ظهور در این عالم ناسوت است وگرنه همه ی آنان یک نور و یک حقیقت اند، حقیقت کامله محمدیه. چنانکه رسول خداصل الله علیه و اله فرمودند:

كُلُّنَا وَاحِدٌ، مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، وَرُوحَنَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، أَوْلُنَا مُحَمَّدٌ، وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ، وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ، وَكُلُّنَا مُحَمَّدٌ (1). همه ی ما یکی هستیم و از یک نور. روح ما از جانب خداست، اول ما محمد است و میانه ی ما محمد است و آخر ما محمد است و همه ی ما محمدیم.

با مقایسه ی شیوه های رفتاری ائمه علیهم السلام برای حفاظت و یاری دین خدا، شباهت نزدیکی بین قیام امام حسین علیه السلام و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان مشاهده نمود. اهداف مشترک قیام، ویژگی های یاران،

ص: 11

شعارها،... همگی از این قرابت و شباهت تنگاتنگ حکایت می کند.

در این مباحث با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به برخی از این شباهت ها پرداخته ایم. باشد که با اهداف و ویژگی های مشترک این دو مصلح بی نظیر و این دو منجی بزرگ بشریت بیشتر آشنا شویم. مصلحی چون حضرت سیدالشهداء علیه السلام که فرمود:

إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (1)؛ جز برای اصلاح در امت جدم قیام نکردم.

و مصلح جهان بشریت حضرت بقیه الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

أَيُّ مَوْلُفٍ شَمِلِ الصَّلَاحَ وَالرِّضَا، أَيُّ الطَّالِبِ يَدْخُلُ الْأَنْبِيَاءَ وَأَبْنَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ، أَيُّ الطَّالِبِ يَدِمُ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ (2) کجاست آن مصلح امور عالم که پریشانی های خلق را اصلاح و دل ها را خشنود می سازد؟ کجاست آن که از ظلم و ستم امت بر پیامبران و فرزندان پیامبران دادخواهی می کند؟

کجاست آنکه از خون جد بزرگوارش، شهید کربلا انتقام می گیرد؟

قدم در کربلا بگذار و بستان\*\*\* سر خونین زدست نیزه داران

تو ای دست خدا با شصت قدرت\*\*\* بکش تیر از گلوی شیرخواران

خدایا، به حق چهارده نور پاک و به مقام حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف این قطره ی ناچیز و دره ی بی مقدار را بپذیر. آمین یا رب العالمین!

قم مقدس - زمستان 1389

حسین گنجی

ص: 12

---

1- فاتیح الجنان، دعای ندبه .

2- فاتیح الجنان، دعای ندبه .

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَتَذَبَّ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرِفِ الدُّمُوعُ،  
وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضْحَجِ الضَّاحُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ؛

پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی که درود خدا بر هر دو ایشان باد، باید گریه کنندگان بگریند. و زاری کنندگان باید بر آن ها زاری کنند و برای امثال آن ها اشک ها باید روان گردد و فریاد زندگان فریاد زنند و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان بخروشند.

دعای ندبه

### اهداف مشترک

وقتی به آیات کریمه قرآنی و احادیث و روایات مراجعه می کنیم، به

این نتیجه می رسیم که تمام اهداف مقدس حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد. این دو معصوم از نظر ویژگی ها و اهداف و برنامه ها، اشتراکات و شباهت های فراوانی با هم دارند. در ابتدای بحث یکی دو مورد را نام می بریم و آنگاه اهداف این دو امام معصوم را عنوان و مطرح می کنیم.

ص: 13

وقتی به آیات و احادیث و روایات مراجعه می کنیم، می بینیم که خدای منان مسائل و حوادث و جریانات کربلا را با همه ی انبیا و فرشتگانش در میان گذاشته است. جریان امام حسین علیه السلام اختصاص به این امت مرحومه ندارد، بلکه با همه ی انبیا عنوان و مطرح شده است.

به عنوان نمونه؛ اولین روضه خوان حضرت ابی عبدالله علیه السلام جبرئیل امین است. او روضه خواند و حضرت آدم علیه السلام گریه کرد. وقتی نام های مقدس پنج تن را دید و جبرئیل نام پنج تن را یاد کرد، به نام نامی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام که رسید، به جبرئیل امین فرمود: «یا آخی جبرئیل فی ذکرِ الخَامِسِ یَنکَسِرُ قَلْبِی وَتَسِیلُ دُمُوعِی (1)؛ برادرم جبرئیل، چه شد که وقتی نام پنجمین آنان را بردی، دلم شکست و اشک چشمم جاری شد؟»

حضرت آدم علیه السلام -طبق بعضی روایات - چهل سال از ترک اولایی که از او سر زده و توبه اش پذیرفته نشده بود گریه می کرد، ولی وقتی نام نامی پنج تن، مخصوصاً حضرت خامس آل عبا را دید، دلش شکست و توبه اش پذیرفته شد.

انسان با گناه از خدا جدا می شود و از فطرت فاصله می گیرد. وقتی استغفار کرد، دوباره به عالم قرب و عالم توحید باز می گردد. وقتی به خدا بازگشت کند، دل می شکند.

ص: 14



پیامبر صل الله علیه و اله فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ (1)، بی گمان خداوند هر قلب محزون و اندوهگینی را دوست دارد.

از آن حضرت سؤال شد: «أَيْنَ اللَّهُ؛ خداوند کجاست؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبِهِمْ (2) من نزد دل های شکسته ام.» آدم علیه السلام به دل شکن نیاز داشت. دل شکن، امام حسین علیه السلام بود. وقتی دل آدم علیه السلام شکست، خدا با حضرت آدم آشتی کرد. گفت: الآن توبه ات قبول است.

وقتی حضرت آدم از جبرئیل امین سؤال کرد این آقا کیست که با نام

او دل من شکست و اشکم جاری شد؟ جبرئیل علیه السلام مصیبت و روضه ی تشنگی سیدالشهدا علیه السلام را برای حضرت آدم خواند.

### بیماری ابراهیم خلیل

در قضیه ی حضرت ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام آمده است که گفت: «إِنِّي سَقِيمٌ.» (3) وقتی همه ی مردم گفتند: امروز روز عید است و ما داریم از شهر بیرون می رویم، تو هم بیا. ابراهیم گفت: من مریضم نمی توانم بیایم. «إِنِّي سَقِيمٌ» یعنی مرض من مزمن و طولانی است. ابراهیم جوان بود. مریض نبود، بلکه صحیح و سالم بود. بعد از آن که مردم بیرون رفتند، بت ها را در هم شکست. این چه بیماری است که این همه بت را

ص: 15

---

1- بحار الانوار، ج 70، ص 158

2- همان

3- سوره صافات، آیه 89

شکسته و تبر را هم روی دوش بت بزرگ گذاشته است!

در این روایات چنین آمده است: «فَقَالَ أَنَّى سَقِيمٌ لَمَا يَحُلُّ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>(1)</sup> من بیمارم، اما نه آن بیماری که شما گمان می کنید.

## جنون عشق

حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» در خطبه ی متقین می فرماید: یک ویژگی اهل تقوا این است: «يَقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا؛ مردم می گویند این ها قاطی کرده و دیوانه اند.»

مرحوم شیخ عبدالکریم حامد می فرمود: تا مردم تو را دیوانه ندانند، بدان که آدم نشده ای. مردم می گویند: نگاه کن بین می تواند پول را پارو کند، ولی اصلاً دنبال پول نمی رود! پشت پا به همه این ها زده. فلان منصب، فلان شغل، فلان ریاست را به او می دهند، ولی همه را رها کرده است. «يَقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا»؛ مردم می گویند: این ها قاطی کرده اند. گاهی می بینید می زند زیر گریه، گاهی سر به بیابان می گذارد، آیا این دیوانه نیست!؟

حضرت مولا فرمود: مردم راست می گویند، تکذیبشان نکنید. اما

مردم نمی دانند چه چیزی موجب قاطی کردن این ها شده است.

«وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ»<sup>(2)</sup> چیز بزرگی این ها را دیوانه کرده است. «امر توحید، امر قیامت، امر معنویت و انسان شدن این ها را دیوانه کرده است. مردم این مطلب را تمیز و تشخیص نمی دهند.

ص: 16

---

1- الکافی، ج 1، ص 465؛ بحارالانوار، ج 44، ص 220

2- نهج البلاغه، خطبه ی 193؛ بحارالانوار، ج 64، ص 315

حضرت ابراهیم علیه السلام هم فرمود: «أنتی سقیم» گفت: بله من بیمارم، اما بیمار مصائب حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام «لِما یَحُلُّ بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ»

## امام زمان علیه السلام در کتب انبیا

همان طور که مصائب و مسائل حضرت اباعبدالله علیه السلام با همه ی انبیا در میان گذاشته شده، خداوند مسائلی را هم که مربوط به حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام است، برای همه ی انبیا مطرح نموده است. همه ی انبیا می دانستند که خداوند وعده داده است که جهان را به دست قدرتمند و توانمند یوسف زهرای اطهر علیه السلام پر از عدل و داد کند.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>(1)</sup> ما در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

این آیه مربوط به امام زمان علیه السلام است. خدای منان این مسأله را در «تورات» موسی علیه السلام و «زبور» داوود علیه السلام مطرح کرده است.<sup>(2)</sup> این بدان معناست که مردم عصر موسی بن عمران هم مسأله ی امام زمان علیه السلام را می دانستند؛ چون تورات به دست آن ها می رسید و با این قضیه رویه رو می شدند. سؤال می کردند سبط ها چه کسانی هستند. می گفتند: حضرت مهدی دوازدهمین جانشین حضرت رسول الله صل الله علیه و اله است.

ص: 17

---

1- سوره انبیاء، آیه ی 105

2- از امام صادق علیه السلام درباره ی ذکر و زبور در این آیه سؤال شد. حضرت فرمودند: ذکر در نزد خداست و زبور کتابی است که بر داوود علیه السلام نازل شده است و هر کتابی که نازل شده است، نزد اهل علم است که ماییم. (الکافی، ج 1، ص 122، ح 6)

## یاد امام زمان علیه السلام در زیارت عاشورا

فلسفه ی غدیر خم معرفی امامت است. حضرت رسول صل الله علیه و اله در : خطبه ی غدیر سه مرتبه از ویژگی های امام زمان علیه السلام سخن به میان آورده است. زیارت عاشورا یادگار خداست. خدای منان زیارت عاشورا را فرستاده است. در زمان بنی امیه زیارت عاشورا را نمی توانستند برملا کنند؛ چون زمان، زمان تقیه بود. لذا پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین؛ امیرالمؤمنین به امام حسن؛ امام حسن به امام حسین؛ امام حسین به امام سجاد؛ امام سجاد به امام باقر علیه السلام به عنوان ودیعه و امانت سپردند. زمانی زیارت عاشورا را آشکارش کردند که بنی امیه داشتند نابود می شدند و بنی العباس روی کار می آمدند.

نام حضرت مهدی علیه السلام در زیارت عاشورایی که حدیث قدسی است و مربوط به کربلاست، دو مرتبه آمده است. در یک جا فرموده اند:

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ» و در جای دیگر نیز چنین آمده است:

«مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»

حضرت سالار شهیدان نیز در روز عاشورا دو مرتبه نام امام زمان علیه السلام را برده است.

حضرت امام العارفين، امام علی بن الحسین علیه السلام نیز در خطبه ای که در شام خواندند، از حضرت نام برده اند: «وَمِنَّا الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَقْتُلُ الدَّجَالَ؛ حضرت مهدی که دجال را می کشد، از ماست». نامش جهانی بوده؛ در همه ی زمان ها و همه ی مکان ها.

جالب اینجاست که وقتی فرشتگان مأمور عذاب به منزل حضرت

لوط علیه السلام آمدند، همسر حضرت لوط رفت داد زد و گفت: بیایید، مهمان تازه آمده است. اراذل و اوباش هم در خانه ی حضرت لوط جمع شدند. حضرت لوط موعظه کردند، اما آنها زیر بار موعظه نرفتند.

چنان که قرآن نقل کرده است، حضرت لوط به گروه اوباش گفت:

«قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ»<sup>(1)</sup>، ای کاش برای من یک نیرو و توانی و یک پناهگاهی بود.» تا به آن پناهنده می شدم و دمار از روزگار شما اراذل و اوباش در می آوردم.

در روایات ما آمده است که مراد حضرت لوط از «قوة» و «رُکن شدید» امام زمان علیه السلام و یارانش بوده است.<sup>(2)</sup> یعنی آرزو کرد ای کاش آن وعده ای که خدا به ما داده که در انتظار مصلح جهانی به سر ببری، ای کاش آن مصلح جهانی و یاران آن مصلح جهانی الآن بودند. حضرت لوط می داند نیستند، ولی آرزو عیب ندارد. مگر من و شما آرزو نمی کنیم که «خدا کند که بیایی!»

او هم آرزو کرده است که کاش در این عصر و زمانه ی ما حضرت و یارانش تشریف داشتند و من را از این شدت نجات می دادند. معلوم می شود مسئله ی امام زمان علیه السلام در همه ی اعصار و با همه ی انبیا در میان گذاشته شده است.

ص: 19

---

1- سوره ی هود، آیه ی 80

2- امام صادق علیه السلام بحار الانوار، ج 52، ص 327

مسجد سهله را ادریس پیغمبر ساخته است. او می دانست که روزی مهدی فاطمه خواهد آمد. اینجا را ساخت تا در آینده خانه ی امام زمان علیه السلام بشود. وقتی حضرت ظهور می کنند، مسجد سهله خانه ی سوم حضرت می شود.

### گریه برسید الشهدا علیه السلام

دومین اشتراک گریه بر مصائب امام حسین علیه السلام است. گریه ی همراه با جزع و فزع و بی تابی مکروه و ناخوشایند است. انسان اگر گریه می کند، باید آرام آرام گریه کند. در گریه بر مصائب، جزع و فزع ممدوح و پسندیده نیست. اما انسان اگر در مصائب ابی عبدالله الحسین علیه السلام با فریاد و ضجه و ناله گریه کند، بسیار عالی است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلِيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) فَانَّهُ مَأْجُورٌ» (1) بی گمان هر گریه و جزعی در هر مورد برای بنده ناخوشایند است، جز گریه بر حسین بن علی علیه السلام که دارای اجر و پاداش است.

### گریه های امام حسین علیه السلام

این گریه متناسب با کار آن حضرت است؛ چون خود آن حضرت

چندین مرتبه در روز عاشورا بلند گریه کردند.

برای قمر بنی هاشم علیه السلام هم بلند بلند گریه کردند. در برخی از مقاتل آمده است: هنگامی که عباس نزد برادر آمد تا اجازه ی میدان بگیرد،

ص: 20

فَبِكَيِّ الْحُسَيْنِ بُكَائًا شَدِيدًا. ؛ حسين عليه السلام با صدای بلند گریست.» در بیان حوادث کربلا نیز آمده است: «فَبِكَيِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بُكَاءً عَالِيًا؛ حسين با صدای بلند گریست.»

### تناسب رفتار

انسان باید متناسب با کربلا گریه کند. هر چیزی تناسبی دارد. اگر می خواهید به حرم امام رضا علیه السلام یابه زیارت مشاهد مشرفه بروید، می فرمودند: قدم ها را آهسته بردارید. غسل کنید. لباس نو تن کنید. گرد و غبار لباس و چهره را از بین ببرید و خود را شست و شو بدهید. موها و محاسن را شانه کنید و وارد حرم بشوید. ولی در مورد کربلا گفته اند: با گرد و غبار و ژولیده موی و غبار آلود وارد حرم بشوید؛ متناسب با کار امام حسین علیه السلام

این تناسب در مکتب اسلام خیلی زیبا و مهم است. ظاهر و باطن متناسب و هماهنگ است. اگر انسان جوامع بشری را نگاه کند، ظاهر و باطنش به هم نمی خورد. ولی ظاهر و باطن فرامین و احکام نورانی اسلام، همه هماهنگ و متناسب است.

مثلا اسلام به ما می گوید: وضو بگیر و چهره ات رو بشوی. از آن

طرف می گوید: هنگام شستن صورت این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ؛ (1) خدایا، در روزی که صورت ها سیاه است، مرا روسفید کن!» یعنی همزمان و هماهنگ با شستن صورت، با خدا هم صحبت می کنی. خدایا چهره ی آبرو و فطرتم را هم شست و شو بده.

ص: 21

دست راست و چپم را هم که می شویم، دعا می کنم و درخواستی هماهنگ و متناسب با اعضا از خداوند می کنم.

## دل های مضطر

ظاهر و باطن تمام اسلام با هم تطبیق دارد. تناسبش عجیب است. وقتی نام مخصوص حضرت مهدی علیه السلام را می بریم، بلند می شویم و دست ها را روی سر می گذاریم. چرا دست روی سر می گذاریم؟ یک معنایش این است که مهدی جان! با نیامدنت به اضطرار رسیدم.

همه ی بدبختی ها و بیچارگی های جوامع بشری به خاطر غیبت امام زمان علیه السلام است. عامل غیبت هم ما هستیم. عرب وقتی مضطر و درمانده می شد، دست ها را روی سر می گذاشت. یعنی خدایا، راه چاره بسته شده است. دستم را روی سرم می گذارم و خبر از اضطرار باطنم می دهم.

پیام دیگر این است که مهدی جان، تو بیا، من تسلیمتم. انسان وقتی می خواهد تسلیم بشود. دست ها را روی سر می گذارد و اعلام می کند که من تسلیمم.

باز در اسلام آمده است که اگر می خواهی دعا کنی و از خدا چیزی می خواهی، کف دست را به طرف آسمان بگیر و بگو: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» اما اگر بلا و سختی آمده است و ناراحتی و نگرانی شدید است این گونه دعا کن پشت دست را به طرف آسمان بگیر و دعا کن. یعنی خدا عذاب را نمی خواهیم

یا مثلاً اگر باران نیامده و مشکلاتی برای مردم رخ داده، برای نماز



باران به صحرا می روند، عبا را پشت و رو می کنند. بعد از پشت و رو کردن، پایین عبا را روی دوش می اندازند. یعنی خدایا، نگاه کن بین من دارم دیوانه می شوم. پریشانم. چون هیچ کس عبا را پشت و رونمی اندازد. هر کس هم نگاه می کند می گوید حالش خوب نیست. یعنی خدایا، باران ندادی. باران بده تا سالم خوب شود. زندگی ام زیر رو شود و عبا را قشنگ رو دوشم بباندازم.

## زاری و شیون

ظاهر و باطن همه چیز دقیقا به هم می خورد. آرام گریه کردن متناسب با کربلا نیست. فریاد و ضجه زدن متناسب است. غبار آلود بودن، ژولیده موی بودن متناسب است. برای حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام هم همین طور است.

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلَيْتَيْكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلَيْتَيْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذَرْفِ الدُّمُوعُ، وَلِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِحَّ الضَّاحُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ(1)؛ پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی که درود خدا بر هر دو گریه کنندگان باید بر آن ها زاری کنند و برای امثال آن ها اشک ها باید روان گردد و فریاد زندگان فریاد زنند و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان بخروشند.

اهل ندبه بسیارند. ندبه گریه ی با صداست. بعضی ها هم ضجه می زنند. بعضی ها عجه و فریاد می زنند. «وَيَضِحَّ الضَّاحُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ» این ها اگر از روی واقعیت باشد بسیار ارزشمند است و

ص: 23

خریدار دارد. خریدار آن امام زمان علیه السلام است. بعضی ها الکی داد می زنند. این غلط است.

## زنده کننده ی فرهنگ کربلا

این دو اشتراک را به عنوان مقدمه بحث، عنوان و مطرح کردیم. قرآن

چهار هدف جالب و زیبا را مطرح کرده که هر چهار هدف در کربلا وجود دارد. اصلا امام زمان علیه السلام تشریف می آورد تا فرهنگ کربلا را زنده کنند. فرهنگ کربلا چند درصدی در جامعه ی شیعه زنده است، اما صد در صد زنده نیست. حضرت می آیند تا فرهنگ کربلا را صد در صد در همه ی عالم و جهان بگسترانند و زنده کنند.

از شعار یارانش می توان به این نکته بسیار مهم پی برد. شعار هر ملتی نشان دهنده ی اهداف آن ملت است. مثلا در شوروی شعارشان مربوط به شکم بود. شعار ما استقلال آزادی و جمهوری اسلامی بود. امام امت قدس سره فرمودند: تمام مقصد ما مکتب ماست.

هر کسی شعاری دارد. ما از شعار یاران آن حضرت به اهدافشان پی می بریم. شعار مهم یاران آن حضرت «یا لثاراتِ الحسین» است (1). یعنی ای کسانی که در انتظار خون خواهی ابی عبدالله الحسین علیه السلام به سر می برید، امام زمان علیه السلام تشریف آوردند. یعنی حضرت در واقع کربلا، برای خون حضرت، برای پیام و اهداف حضرت ابی عبدالله علیه السلام خواهد آمد.

ص: 24

«الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیم نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست.

سوره ی حج، آیه ی 41

### عصر جهالت و نادانی

اشتراکات فراوانی بین حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام و حضرت مهدی‌علیه‌السلام وجود دارد. از آن جمله اهداف مشترک قیام ابی‌عبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام و قیام و انقلاب حضرت ولی‌الله‌الاعظم، امام‌زمان‌علیه‌السلام است. ما در زیارت اربعین حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام می‌خوانیم:

وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ ؛ لَيْسَتْ تَقْدِ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام خون دلش را برای تو داد، تا اینکه

بندگان تو را از جهالت و نادانی و از تحیر و سردرگمی نجات بدهد. بندگان خدا در آن عصر در جهالت و نادانی به سر می‌بردند. به قدری جاهل شده بودند که معاویه برای امام حسن مجتبی‌علیه‌السلام نامه نوشت که کسانی که دور من جمع شده‌اند و مرید من هستند، بین شتر

ص: 25

نر و ماده را تشخیص نمی دهند. شتر نر را به عنوان ماده و شتر ماده را به عنوان شتر نر شهادت می دهند.

همین قضیه هم دقیقاً رخ داده است. آن عرب بیچاره پیش معاویه

آمد و شکایت کرد. به معاویه گفت: اطرافیان تو شتر من را دزدیده اند. از او سؤال کردند: شتر تو نر بوده یا ماده؟ گفت: شتر من نر بود و شتر را هم می دید و می گفت همین شتر من است. چند نفر در همان جلسه شهادت دادند که این شتر ماده هست، با این که شتر نر بود.

عایشه مادر مؤمنین شده بود و معاویه هم دایی مؤمنین. از او به عنوان

کاتب و نویسنده وحی یاد می کردند. و حتی احیانا مردم شام از معاویه به عنوان خود رسول الله یاد می کردند. می گفتند: تو پیغمبر ثانی هستی.

شما ببینید کسانی که از کربلا بهره نبردند، هنوز هم در جهالت و نادانی به سر می برند. می گویند: اگر سلطان مملکتی شراب خور و قمارباز باشد، اولی الامر است. هیچ شرطی برای سلطان و حاکم مملکت قائل نیستند و حتی او را اولی الامر می دانند. اهل سنت می گویند: «أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» سلاطین هستند. ای کاش می گفتند: علما اولی الامر هستند. می گویند: هر کسی بر تخت سلطنت و حکومت نشست، اولی الامر است و باید با همه وجود فرمایش را اجرا کرد. این قضیه و جریان از بنی امیه معاویه و یزید و امثال آن ها باقی مانده است.

## نجات بشر از جهل و سردرگمی

فلسفه ی قیام امام حسین علیه السلام این بود که بشر را از جهالت و نادانی رهایی دهد. البته بسیاری هم رهایی پیدا کردند. در دنیا هم هر کجا

می خواهند از جهالت و نادانی نجات پیدا کنند، باید کربلا را به عنوان اسوه و الگویی خود قرار بدهند. این فلسفه قیام حضرت سید الشهدا علیه السلام و این شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام: «یا لثاراتِ الحُسَینِ» خون خواهان امام حسین علیه السلام کجایند تا حضرت را یاری کنند.

شعار دومی هم دارند که می گویند: «أَمّتِ أَمّتِ» یعنی بمیران بمیران. همین شعاری که این روزها در همه ی دنیا می گویند؛ مرگ بر آمریکا. یاران حضرت هم شعار می دهند که جهل و نادانی را بمیران. یعنی ما آمده ایم تا جهل و نادانی را برداریم. قوانین جاهلیت و رسول قلدری را بمیران.

### **کمال خرد و اخلاق**

قیام امام زمان علیه السلام دقیقا تابع و پیرو قیام امام حسین علیه السلام است. امام زمان علیه السلام می خواهد جهل و نادانی را از بین ببرد و بشر را در اوج معارف و علوم و دانش قرار بدهد. برای تحقیق این مهم امام زمان علیه السلام دستی به سر همه می کشند. یعنی عنایت و توجه اش به همه ی جهانیان و به همه ی عالم می رسد. در حقیقت دو ویژگی در بشر جمع می شود: یکی این که عقل بشر کامل می شود و دیگر این که اخلاقشان کامل می شود و خود به خود جهالت و نادانی از بین خواهد رفت.

### **به پا داشتن نماز**

از دیگر اشتراکاتی که بین امام حسین علی و امام زمان علیه السلام وجود دارد، همان چیزی است که در زیارت نامه ی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مِنْ شَهَادَتِ مِي دَهْمِ نَمَاز رَا بَه پَا دَاشْتِي  
و زكات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.

گاهی بعضی از افراد می گویند امام حسین علیه السلام فدای نماز شد. اما نمی گویند فدای چه نمازی شد. شما یک مورد پیدا نمی کنید که در قرآن آمده باشد که نشانه ی اهل تقوا این است: «الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الصَّلَاةَ»؛ اهل تقوا و اهل ایمان نماز می خوانند. در زیارتنامه حضرت هم نداریم.

حسین جان شهادت می دهم که نماز خواندن را به مردم یاد دادی.

حر بن یزید ریاحی به کربلا آمد حضرت به او فرمودند: تو و لشکریانت نماز بخوانید، ما هم می خوانیم. عرضه داشت: یا حسین، ما به شما اقتدا می کنیم. نمازمان را با شما می خوانیم. شما را قبول داریم.

اهل سنت گاهی بیش از ما نماز می خوانند، ولی نمازشان نماز نیست. یزید هم یک روز صبح آمد بیش از چهار پنج رکعت نماز خواند. به یزید گفتند: نماز صبح دو رکعت است، چرا این همه نماز؟ گفت: امروز خیلی کیفور و سرحالم. می خواهم زیاد بخوانم.

الآن هم که اهل سنت نماز تراویح می خوانند، دو ساعت و نیم، سه

ساعت طول می کشد. اما این نماز بدعت و حرام و گناه است. هر رکعت که می خوانند برای آن ها گناه می نویسند. این نماز فرمان خدا نیست. نمازی است که عمر به بدعت گذاشت و از خودش درآورد.

حضرت برای قرائت و خواندن نماز قیام نکرد. این نکته جالب و ظریف است. «أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» فرق است بین اقامه و قرائت. اقامه یعنی برپا داشتن. «أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلَيَّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» یعنی

پیامبر دست امیرالمؤمنین را گرفت و بلند کرد و به جای خودش قرار داد. و «قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» یعنی حسین جان تو به نماز پا دادی و این نماز با پا در جامعه‌ی شیعی حرکت کرد. این نماز روح دار و جان دار را زنده کرد.

## روح نماز

اقامه‌ی نماز یعنی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». چشم انسان باید خدا را بندگی کند. اگر هرزه نبود و از حرام چشم پوشید، این چشم بنده‌ی خداست. اگر چشم چیزی را که نباید ببیند دید، و به حرام توجه کرد، این چشم بنده‌ی شیطان است. عبدالله نیست. گوش اگر به موسیقی گوش داد، به تهمت گوش داد، به غیبت گوش داد، این گوش بنده‌ی خدا نیست، بنده‌ی شیطان است. اگر حرف خدا را گوش داد، ادعیه را گوش داد، این گوش عبدالله است.

این که فرمودند بگو «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، یعنی زبانم، چشمم، گوشم، دستم، فکرم، دلم و همه‌ی وجودم و هستی ام تو را بندگی می‌کند. حضرت رسول الله صل الله علیه و اله در سجده می‌فرمودند:

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي وَ آمَنَ بِكَ فُؤَادِي (1)؛ خدایا، سرا پای وجود و خیالم تو را سجده می‌کند و دلم به تو معتقد است. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی همه‌ی جوارح و اعضايم تو را بندگی می‌کند. روح نماز این است.

همان عبادتی که امام العارفين، حضرت علی بن الحسین علیه السلام وقتی که مؤذن الله اکبر را گفت فرمود: «: شَهِدَ بِهَا شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ»

ص: 29

بَشْرَى(1)؛ موی من و پوست من و گوشت من و خون من و همه ی وجود من شهادت می دهند به این که خدا بزرگ تر از آن است که به وصف درآید.»

## استعانت از خدا

گاهی انسان با زبان می گوید: خدایا کمکم کن، ولی با دل به دیگران می گوید: کمکم کن. در مقام عمل به سراغ این و آن می رود. این «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را خوب نگفته است. درست دعا نکرده است. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی خدایا، همه ی اعضايم از تو مدد می خواهد. چهره ام به جانب تو برافراشته شده، و دستم به جانب تو دراز شده؛ «فَالْيَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي»، (2). دلم و فکرم به جانب توست. «أَقَمَتِ الصَّلَاةَ» یعنی کرنش در برابر خدا، یعنی در برابر غیر خدا کرنش نکن.

## عظمت خدا

«أَقَمَتِ الصَّلَاةَ» یعنی «الله اکبر» هر چه غیر از خداست پشت سر بیانداز. فقط بگو خدا بزرگ است. «أَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ»، یا «أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ». این عبارت در دعای جوشن کبیر هم آمده است.

امام حسین علیه السلام به کربلا نیامدند تا به مردم بگویند نماز بخوانید. آمدند بفرمایند محتوای نماز و دستورات نماز و پیام نماز و اخلاق نماز و عرفان و سلوک نماز را در زندگی پیاده کنید. کسی که می گوید: «سُبْحَانَ-

ص: 30

1- بحار الانوار، ج 45، ص 137

2- الاقبال، ص 709؛ مصباح کفعمی، ص 599.



رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» از خدا به عنوان عظیم یاد می کند و معنایش این است: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛ (1) خدا در جانشان بزرگ است و هر چه غیر خداست، در چشمشان کوچک است.» یعنی به جانشان زرفته است، بلکه با چشم می بیند. کوچک هم می بیند. هیچ چیزی را در برابر خدا بزرگ نمی بیند. و امام حسین علیه السلام برای چنین نمازی آمدند. «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» .

### زکاتی فراگیر و بی نظیر

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ؛ شهادت می دهم که زکات دادی.» معنای این جمله از زیارت نامه چیست؟ اگر مراد این باشد که امام حسین علیه السلام زکات مالش را می داد، می گویند: این هنر نیست. اگر به شما بگویند آیت الله بهالدینی با آیت الله بهجت - رضوان الله تعالی علیهما - نماز می خواندند یا زکات می دادند می گویند: اگر این ها نماز نخوانند یا زکات ندهند، پس چه کسی باید نماز بخواند یا زکات بدهد! این ها که تعریف نشد. اگر بگوییم: حسین جان، شهادت می دهم تو زکات می دادی! اگر امام حسین علیه السلام زکات ندهد، پس چه کسی زکات بدهد بنابراین «وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ» معنایی فراتر و گسترده تر از این معنا دارد، زکاتی همه جانبه و فراگیر. علم، زکات دارد. زکات علم و دانش، نشر آن است. آبرو زکات دارد. زکات آبرو این است که انسان آبرویش را پیش این و آن گرو بگذارد و به نفع مؤمنین و مسلمین استفاده نماید. قدرت زکات دارد. زکات قدرت این است که انسان حق مظلوم را از ظالم بگیرد و در

ص: 31

برابر ظالم بایستد و از مظلوم دفاع کند. ریاست زکات دارد. اموال زکات دارد. جسم انسان زکات دارد. زکات جسم عبادت خداست، نماز و روزه است.

در روایتی آمده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ (1)» برای هر چیزی زکاتی است. و زکات اشیا را شمرده اند. بنابراین، اگر می‌گوییم «وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ»، یعنی حسین جان زکات مالت را دادی، زکات علمت را دادی، زکات زبانت را دادی، زکات عمرت را دادی، زکات آبرویت را دادی، زکات جسمت را دادی، زکات بچه هایت را دادی، بچه هایت را به شهادت رساندند. علی اکبر، علی اصغر، برادرانت. خودت سر دادی، انگشت دادی، انگشت دادی. من شهادت می‌دهم که تو یک زکات بی نظیری دادی. واحدی چنین زکاتی نداده است.

### بزرگ ترین معروف

شهادت سوم: «وَ أَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ، فرمان به خوبی ها را صادر کردی.» امر به معروف کردی. این معروف چه بود؟ این معروف امامت و ولایت بود. امام حسین علیه السلام به کوفه و کربلا آمد برای این که امامت امیرالمؤمنین و امامت برادر و خود و فرزندان را معرفی کند و به اثبات برساند. مردم کوفه به حضرت نامه نوشتند که آقا جان بیا، ما رهبر نداریم، امام نداریم، یزید را به امامت قبول نداریم.

سی هزار نامه در رابطه با موضوع امامت و ولایت آمده است. حضرت در مدینه و مکه و در مسیر کربلا نفرمودند من برای نماز و روزه و

ص: 32

حج و جهاد آمده ام. بلکه فرمود: زید من را به بیعت مجبور کرد و من با یزید هرگز بیعت نمی کنم. یعنی یزید شایستگی خلافت و رهبری جامعه را ندارد. رهبریت از آن ماست. در نامه ای هم که به مسلم بن عقیل نوشته بود، همین بود: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ»<sup>(1)</sup>؛ به بخشاینده عمرم سوگند که امام و پیشوا جز حاکم به کتاب نیست.» امام باقر آن حکم می کند، عالم به قرآن است و از ناحیه خدا حاکم شده است. این امر به معروف حضرت بود. نهی از منکر حضرت هم خود و یزید و دستگاه بنی امیه بود. حضرت آمدند داد بزنند که سراغ این منکر نوید و با این منکر مبارزه کنید.

### ویژگی های یاران مهدی علیه السلام

ما در این جملات چهار موضوع را در رابطه با قیام آن حضرت متوجه می شویم. اکنون بیاییم به سراغ آقا امام زمان علیه السلام این آیه ی کریمه مربوط به یاران امام زمان علیه السلام است که اگر آنان بر مسند قدرت بنشینند چه می کنند.

«الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>(2)</sup> همان کسانی که هرگاه در زمین به آن ها قدرت بخشیم نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه ی کارها از آن خداست.

اگر قدرت و تمکن و توان به یاران آن حضرت بدهیم، اقامه نماز

ص: 33

---

1- بحار الانوار، ج 44، ص 334.

2- سوره حج، آیه ی 41

می کنند. یعنی نماز و حقیقت پیام ها و برنامه های نماز را زنده می کنند.

## احمد چلوبی

شیخ عبدالکریم حامد می فرمودند: مرحوم شیخ رجبعلی خیاط یک رفیقی به نام احمد چلوبی داشتند. به دیدن او رفتیم. احمد چلوبی کسی بود که یک وقتی قهر کرد و خواست از تهران بیرون برود. وقتی اثاث و وسایل را جمع کرد، فرشته ای ندا داد که احمد چلوبی برگرد. خدا به برکت تو عذاب را از تهران برداشته است. در تهران بمان. برای مردم تهران مفیدی.

او کسی بود که بالای چلوکبابی اش نوشته بود، چلوکباب نسیه داده می شود. پول دستی هم قرض داده می شود. آیا شایسته نیست که این آقا مانع زلزله و عذاب باشد و به برکت او خداعذاب را بردارد. بعضی هم می نویسند نسیه داده نمی شود، حتی به جنابعالی. بعد هم اعلامیه پخش کردند که نسیه مرد، سالگرد نسیه را هم گرفته اند. البته مردم هم بد عمل می کنند. پول را می برند می خورند و نمی دهند.

## تفسیر کربلا

ان شاء الله یوسف زهرای اطهر بیاید و هم کربلا را تفسیر می کند و هم کربلا را در همه ی جهان آفرینش بگستراند و پیام کربلا را برای همیشه و برای همه ی انسان ها تفسیر و تشریح و تبیین کند. لذا از کربلا شروع می کند. وقتی در خانه ی خدا قرار می گیرد، به خانه ی خدا تکیه می دهد و بعد از یک معرفی اجمالی شروع به روضه خواندن می کند، یعنی من

هم برای کربلا آمده ام. آمده ام دل ها را به سوی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام سوق بدهم.

جالب اینجاست که حضرت سیصد و ده سال حکومت می کن امام حسین علیه السلام اولین نفری است که رجعت می کند. حضرت بر مسند حکومت می نشیند و چهل و هشت هزار سال حکومت می کند.

ان شاء الله حضرت بیاید، زمان رجعت هم شروع شود و خدا منتهی بر

ما بگذارد و ما هم باشیم.

ص: 35



إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَافاً وَلَا بَطْرَافاً وَلَا مُفْسِدِافاً وَلَا ظَالِمِافاً. وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَافِ فِي أُمَّةِ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَرَايِ تَكْبَرٍ وَخَوْشِ  
گذارانی و ظلم و ستم و برای ایجاد فساد و فتنه خروج و قیام نکردم. من برای اصلاح امور امت جدم صل الله علیه و اله حرکت کردم

امام حسین علیه السلام

### اصلاح جامعه

یکی از اشتراکات میان این دو امام معصوم، اهداف مشترک در قیام و در انقلاب است. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام برای  
اصلاح جامعه حرکت فرمودند. در وصیت نامه ای که برای محمد حنفیه نوشته اند، چنین آمده است:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَافاً وَلَا بَطْرَافاً وَلَا مُفْسِدِافاً وَلَا ظَالِمِافاً. مِنْ بَرَايِ تَكْبَرٍ وَخَوْشِ گُذْرَانِي وَظَلْمٍ وَسْتَمٍ وَبَرَايِ اِيْجَادِ فِسَادٍ وَفْتَنَةٍ خُرُوجٍ وَقِيَامٍ  
نکردم.

فلسفه قیام من این است:

وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَافِ فِي أُمَّةِ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (1) مِنْ بَرَايِ اِيْصْلَافِ اُمُورِ اِمْتِ جَدِّمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَرَكْتِ كَرْدَمِ.

ص: 37

امور امت به واسطه ی رهبری بنی امیه به فساد و تباهی کشیده شده بود. برای امت چیزی باقی نگذاشته بودند. حتی نماز را به بازی گرفتند. یزید آمد و شش الی هشت رکعت نماز صبح خواند. وقتی به یزید گفتند نماز صبح دو رکعت است، چرا هشت رکعت خواندی؟ گفت: امروز کیفورم. شراب بیشتر خورده بود و سرحال بود.

مرحوم علامه امینی قدس سره در «الغدیر» آورده اند: ولید یک روز در عین حالی که نیاز به غسل جنابت داشت و باید می رفت و غسل جنابتش را انجام می داد، آمد و در محراب عبادت ایستاد. مردم هم به او اقتدا کردند. بعضی اعتراض کردند و شهادت دادند که ولید عمل خلاف و نامشروع انجام داده و بدون غسل آمده و در محراب عبادت قرار گرفته است. هر چند به نظر اهل سنت عمل نامشروع وی، ضرری به نماز جماعتش نمی زند. چون اهل سنت وقتی در خداعدالت را شرط ندانند، روشن است که لازم نمی دانند که امام جماعت عادل باشد. اگر فاسد بود، شراب می خورد و قمار باز بود و آمد جلو ایستاد، مانعی ندارد. می توان به او اقتدا کرد. ایراد این ها به این بود که به غسل جنابت نیاز دارد. آن وقت آمده و نماز خوانده است. این بلایی است که به سر اسلام آوردند.

### مصلح جهانی

حضرت فرمود: من برای اصلاح جامعه حرکت کردم. این فلسفه ی قیام حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بود. حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام نیز برای اصلاح جامعه می آید. از این رو یکی از القاب زیبای حضرت مصلح است.



أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا(1)؛ کجاست آن مصلح امور عالم که پریشانی های خلق را اصلاح و دل ها را خشنود می سازد.

می گوئیم: مصلح جهانی می آید و جهان را به صلاح و شایستگی سوق می دهد و جوامع بشری را اصلاح می کند. این هم یک اشتراک بین امام حسین و امام زمان علیه السلام

### بندگی خدا

این نکته جالب و زیباست که یکی از کنیه های حضرت امام حسین علیه السلام اباعبدالله است. بیش ترین نامی که از حضرت در زیارت عاشورا برده شده، کنیه ی ابا عبدالله است.

چرا به آن حضرت اباعبدالله می گویند. مرحوم علامه، میرزا ابوالفضل تهرانی، شاگرد میرزای بزرگ شیرازی، در کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» می فرماید: از این نظر به آن حضرت اباعبدالله می گویند که همه ی بندگان خدا سر سفره ی کربلای او نشسته اند. اگر نبود قیام و شهادت او و یارانش، در جهان یک نفر به نام عبدالله و بنده ی خدا نداشتیم. همه عبدالشیطان، عبدالدنیا، عبدالبطن، عبدالدرهم و دینار می شدند. چون وقتی یزید آن حرکات را از خود نشان دهد و بگوید:

لعبت هاشم بالملك \*\*\* فلاخبر جاء و لاوحی نزل(2)

بنی هاشم با حکومت و سلطنت بازی کردند؛ نه وحی آمد و نه قرآنی و نه خبر آسمانی

ص: 39

---

1- مفاتیح الجنان، دعای ندبه

2- الاحتجاج، ج 2، ص 307

این‌ها همه‌اش دروغ است. اگر رهبر یک نظام این حرف‌ها را بزند،

بعد از چند سال فاتحه دین خوانده می‌شود.

## زمینه ساز حرکت فرهنگی شیعی

خود حضرت هم فرمودند:

وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ، إِذْ قَدْ بُلِّغَتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ (1) و باید با اسلام وداع و خداحافظی کرد، وقتی مبتلا به رهبری همچون یزید بشود.

پس قیام حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام بنی‌امیه را رسوا کرد. خط یزید و بنی‌امیه را باطل کرد و خط خدا را ترسیم نمود و به تصویر کشید. اصلاً خون امام حسین علیه‌السلام زمینه ساز حرکت فرهنگی امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام شد، وگرنه زمینه‌ی فرهنگی برای شیعه حاصل نمی‌شد.

حضرت خویش را تقدیم کرد. کم‌کم مردم مدینه و کوفه و شهرها پرسیدند این یزید فاسد و فاجر و این بنی‌امیه چه می‌گویند! غیر از بدبختی و نکبت برای جامعه چه به ارمغان آورده‌اند؟!

قیام مختار، و پیش از آن قیام حره شروع شد. تمام بنی‌امیه و از جمله

فرماندار بنی‌امیه را از شهر مدینه بیرون کردند. به جز قیام حره و قیام مختار حره دیگر هم به وجود آمد. فرزند مالک اشتر، ابراهیم بن مالک قهرمان، علیه حکومت بنی‌امیه حرکت کرد. حکومت بنی‌امیه تضعیف شد. بنی‌عباس هم از آن طرف حرکت کردند و زمینه‌ی مساعدی برای امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام به وجود آمد تا فرهنگ سازی کنند. شیعه هر چه دارد از امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام دارد. خون امام

ص: 40

---

1- لهوف سید بن طاووس، ص 20، مقتل خوارزمی، ج 1، ص 185

حسین علیه السلام زمینه ی فرهنگی را برای امامان معصوم آماده کرد. لذا می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللَّهِ!» اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود، این زمینه ی فرهنگی وجود نداشت. این یک معنای ابا عبدالله است.

## کارخانه انسان سازی

مؤسس حوزه علمیه قم، مرحوم شیخ عبدالکریم حائری قدس سره وقتی

می خواست نماز بخواند عرضه میداشت:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللَّهِ اشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ؛ سلام بر تو

یا ابا عبدالله، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی. و تکبیرة الإحرام می گفت. یعنی این نمازی هم که من الان دارم می خوانم، همه به برکت امام حسین علیه السلام است. نمازی که به تعبیر امام قدس سره کارخانه ی انسان سازی است.

مرحوم سید هاشم رضوی از قول مرحوم قاضی می فرمودند: شما به

نمازهای پنج گانه اهمیت بدهید. قشنگ بخوانید، آداب آن را رعایت کنید و زیبا بخوانید. ریش من گرو اگر شما آدم نشدید. این نماز انسان را آدم می کند. بعد ایشان می فرمود: مرحوم قاضی سردش بود. می لرزید. وقتی به نماز می ایستاد، ما به او اقتدا می کردیم. بعد از نماز اول قبایش را در می آورد. می دیدیم که عرق کرده.

چنان مستغرق یاد حضرت رب العالمین می شد که آن لرزش و سرما

از بین می رفت و به برکت لطف حضرت رب العالمین برای او حرارتی حاصل می شد.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!» سلام بر تو ای پدر همه ی بندگان عالم.

اگر او و قیامش نبود، اگر «هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ» او نبود، چه کسی درس

شهامت و شجاعت را یاد می گرفت. چه کسی می فهمید باید در مقابل ظالم بایستد و با آن مبارزه کند. لذا او پدر همه ی بندگان عالم است. هر چه عبدالله داریم، پدر همه ی آن ها اوست.

او پدر همه ی عبادت هاست. زیباترین و عالی ترین عبادت، از حضرت سر زده است. نمازی به زیبایی نماز حضرت نیست. روز عاشورا به نماز ایستاد. تیر مثل باران و تگرگ بر او و یارانش می بارید. شب عاشورا شب زمزمه و تلاوت قرآن است. شب نماز و دعاست. شب راز و نیاز است. همه ی این عبادت ها یا حقیقتا یا به نحو تمثیل و تصویر در شب و روز عاشورا از حضرت سر زده است.

ابا عبدالله یعنی پدر همه ی بندگان عالم. وقتی به عبادت حضرت نگاه می کنند، خجالت می کشند. چه مناجات قشنگ و زیبایی! انسان آخرین لحظات عمرش در حالی که خون از بدنش می رود، مشغول مناجات باشد. راوی می گوید: نزدیک شدم. دیدم دارد می گوید:

صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ، لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ(1)؛ بر قضا و حکم تو صبر پیشه می سازم، ای پروردگار من خدایی جز تو نیست، ای فریادرس دادخواهان

ص: 42

حضرت امام زمان علیه السلام هم کنیه شان ابصالح است. مرحوم محدث نوری در «النجم الثاقب» این کنیه را برای حضرت نقل کرده است. ابصالح یعنی پدر همه ی شایستگان و صلحای عالم. این هم خیلی معنای لطیف و ظریفی دارد. عالم به فساد و تباهی کشیده شده و به فساد و تباهی بیشتر کشیده خواهد شد. «کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (1) جهان مملو از ظلم و ستم و تجاوز و غارت و چپاولگری است. جهان، جهان فاسدی است، جهان ضد ارزش و ضد اخلاق است.

شخصی که می آید و جهان را به صلح و صفا و شایستگی می کشاند، امام زمان علیه السلام است. در نماز می گوئیم: «اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ، سلام بر بندگان صالح و شایسته ی خدا!» کسی که عبادالله الصالحین را می سازد و تربیت می کند، امام زمان علیه السلام است. ابا صالح یعنی پدر همه ی بندگان صالح و شایسته خدا. او عالم را یکپارچه به صلح و صفا و آشتی و صلاحیت و شایستگی دعوت می کند.

حضرت دست روی سرها می کشند، هم اخلاق کامل می شود، هم

عقل ها جمع می شود. در روایات آمده است: زمان حضرت به قدری صلح و صفا در جهان حاکم می شود که گرگ و میش در کنار هم زندگی می کنند. یعنی ریشه ظلم کننده می شود.

در دعای ندبه می خوانیم:

وَاجْتَسَّتْ اُصُوْلَ الظّٰلِمِيْنَ، وَ نَحْنُ نَقُوْلُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ؛

ص: 43

ریشه های ظالمین و ستمگران را بر میکنی و ما می گوئیم:

الحمد لله رب العالمین.

نه ظلمی و نه ظالمی و نه ریشه ای برای ظلم باقی می ماند. آن وقت

است که ما به قشنگی می گوئیم: «الحمد لله رب العالمین»

انسان دو جا از صمیم جان می گوید: «الحمد لله؛ یک جا وقتی است

که فرمان می دهند آن ها را بهشت ببرید می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» (1)؛ حمد و ستایش برای خداوندی است که اندوه را از ما بر طرف کرد.

یکی هم در ظهور حضرت است. وقتی ریشه ظلم و ظالم کنده شد، می گوئیم: «الحمد لله رب العالمین». حضرت نمی گذارد ظالمی در عالم بماند.

أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؛ (2) کجاست قیچی کننده و ریز کننده ی ریسمان های دروغ و شایعه افکنی و نسبت ناروا دادن به این و آن تمام رادیوها و روزنامه های دروغ پرداز را از میدان بر می دارد.

خداوند در قرآن می فرماید: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (3) وقتی حضرت ظهور می کند، تمام انسان ها خدا را عبادت و بندگی می کند و برای من شریک قرار نمی دهند. شرک نمی ورزند؛ نه شرک جلی و نه شرک خفی.

ص: 44

---

1- سوره فاطر، آیه ی 34

2- دعای ندبه

3- سوره ی نور، آیه ی 55

أَمَّا بَعْدَ فَايْتِي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبْرَ وَ لَا أُوصِلَ وَلَا أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي پس از حمد و ثنای حضرت رب العالمین، من یارانی باوفاتر و برتر از یاران خودم سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوکارتر از اهل بیت خودم نمی شناسم.

امام حسین علیه السلام

### برترین یاران

یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و یاران حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام در بسیاری از صفات و ویژگی ها اشتراک دارند. این اشتراک را هم قرآن و هم احادیث و روایات فراوان مطرح کرده اند. آنچه از احادیث و روایات استفاده می شود، این است که یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بی نظیرترین و بی بدیل ترین یاران در میان همه ی انبیا و اوصیا بوده اند. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام شب عاشورا فرمودند:

أَمَّا بَعْدَ فَايْتِي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبْرَ وَ لَا أُوصِلَ وَلَا أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛ (1) پس از حمد و ثنای حضرت رب العالمین، من یارانی باوفاتر و برتر از یاران خودم سراغ ندارم. و اهل بیتی نیکوکارتر از اهل بیت خودم نمی شناسم.

ص: 45

حضرت فرمودند: در عصر و زمان خودم. روایت از زمان خارج است. یعنی یاران من و اهل بیت من در میان یاران همه ی انبیا و همه ی اوصیا و همه ی امامان معصوم برترین اند.

## یاران سست عنصر

حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمود: من حاضریم ده نفر از یارانم را بدهم و یک نفر از یاران معاویه را بگیرم. یاران معاویه در باطلشان محکم اند. یاران من در حقانیتشان سست و ضعیف اند. هر وقت آن ها را دعوت به جهاد می کنم، بهانه می آورند.

آن قدر امیرالمؤمنین علیه السلام را آزرده خاطر کردند که فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَيْتُهُمْ وَ مَلُونِي وَ سَمَّيْتُهُمْ وَ سَمَّيْتَنِي فَأَبْدِلْنِي بِهِمْ مِنْ هُوَ خَيْرَ لِي مِنْهُمْ وَ أَبْدِلْهُمْ بِي مِنْ هُوَ شَرَّ لَهُمْ مِنِّي؛ (1) خدایا، من آنان را ملول کردم و آنان نیز مرا ملول ساختند. من آنان را خسته کردم و آنان هم مرا خسته کردند. به جای آنان بهتر از آنان را نصیب کن و به جای من بدتر از مرا نصیب آنان کن.

این شکوه و گلایه ی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام هم می فرماید: «وَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا» (2) خدا از جانب من بهترین و زیباترین پاداش را به شما عنایت کند. یاران امام زمان هم بعد از یاران ابا عبدالله الحسین علیه السلام در جهان هستی و آفرینش حرف اول را می زنند و برترین اند.

ص: 46

1- نهج البلاغه، خطبه 25

2- بحار الانوار، ج 44، ص 392



حضرت امام العارفين على ابن الحسين، زين العابدين عليه السلام به اباخالد کابلی فرمود:

نَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛<sup>(1)</sup> مردمی که در عصر و زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می برند و معتقد به امامت حضرت مهدی علیه السلام هستند و در انتظار آمدن او به سر می برند، برترین اهل هر عصر و زمان هستند.

این مربوط به کسانی است که خود را آماده کرده اند و در انتظار به سر می برند. انتظار یعنی آماده باش. آن ها دائما در آماده باش به سر می برند. یک سرباز که در آماده باش به سر می برد، اسلحه به دوش است. کسانی که برای آمدن حضرت در آماده باش به سر می برند، برترین انسان های روی زمین هستند. یعنی بعد از یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام برترین هستند.

### حق باوری

یکی از ویژگی های یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام این بود که اهل یقین و باور بودند. خدا باور، حسین باور، بهشت و قیامت باور بودند. هیچ شکی و تردیدی در حقانیت خودشان نداشتند. انسان از رجز خواندن و سخنان یاران حضرت، متوجه این نکته می شود. در عقاید و در تفکرشان مانند فولاد قوی، قدرتمند و محکم بودند.

شما رجز باب الحوائج الی الله، قمر بنی هاشم علیه السلام را در وقتی که

ص: 47

دست راست از بدنش جدا شده مشاهده کنید.

والله ان قطعتم يميني \*\*\* إني أحامي أبداً عن ديني

به خدا قسم اگر دست راست را هم ببرد البته به خدا قسم پیوسته از

دینم حمایت می کنم.

چقدر قرص و محکم حرف زده بعد فرمود:

وعن امام صادق اليقين \*\*\* نجل النبي الطاهر الأمين (1)

و از امامم که یقین دارم او راست می گوید، نیز حمایت می کنم. این

باور و یقین قمر بنی هاشم علیه السلام است.

نیست صاحب همتی در نشأتین \*\*\* هم قدم عباس را بعد از حسین

در هواداری آن شاه ادب \*\*\* جمله را یک دست بود او را دودست

عباس علیه السلام هر دو دستش را در این مسیر تقدیم کرده است. بقیه ی یاران هم همین طور، همه اهل یقین و باور بودند. ذره ای تزلزل به خودشان راه ندادند. وقتی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در مسیر، خبر از شهادت داد، فرمودند: الآن چرت می زدم. منادی ندا داد: این مرکب و این قافله به سمت شهادت در حرکت است. حضرت علی اکبر علیه السلام عرضه داشت «يا آبه أفلسنا على الحق؛ آیا ما برحق نیستیم؟» فرمود: چرا فرزند ما بر حقیقیم. عرضه داشت: «إذن لا نبالي بالموت؛ (2) حالا- که ما بر حقیقیم از مرگ و مردن ترس و وحشتی نیست. معیار برای آن ها حق بود. می دانستند بر حق اند و تا آخرین لحظه و تا آخرین قطره ی خون مقاومت کردند و ایستادند.

ص: 48

---

1- بحار الانوار، ج 45، ص 40: المناقب، ج 4، ص 108.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 367؛ مثير الاحزان، ص 44؛ لهوف، ص 70.

## شیران بیشه ی کارزار

در همین رابطه بود که شب عاشورا وقتی عقيله بنی هاشم حضرت

زینب کبری علیها السلام به برادر عرضه می دارد: برادر نکند فردا تو را تنها بگذارند؟ امام حسین علیه السلام فرمودند:

«وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَوْتُهُمْ فَمَا وَجَدْتُ فِيهِمْ إِلَّا الْأَشْوَشَ - الْأَقْعَسَ - يَسَّ تَأْنُسُونَ بِالْمَنِيَّةِ دُونِي إِسْتِنَاسَ - الطِّفْلِ إِلَى مَحَالِبِ أُمَّهِ» (1)؛ من یارانم را آزمودم آنان را شیر قهرمان بیشه کارزار یافتم. با مرگ به مانند طفلی که به پستان مادر وابستگی دارد به شیر مادر علاقه مندند.

طفل وقتی به شیر مادر می رسد می خندند و هنگامی که او را از شیر

می گیرند، جیغ می زند.

یاران من با مرگ چنین انس و آشنایی دارند. وقتی مرگ به سراغشان می آید، می خندند و نعره ی مستانه سر می دهند. امام امت قدس سرّه راجع به شهدا می گفتند: وقتی از مرگ فاصله می گیرند، غصه دار می شوند. این مربوط به یقینشان است. اگر کسی اهل یقین باشد از همه چیز دست بر می دارد.

## انقلاب الهی

شما جادوگران دربار فرعون را ببینید: سحره ی فرعون به فرعون گفتند: اگر ما غالب شدیم چه می کنی؟ فرعون گفت: اگر غالب شدید «وَإِنِّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ» (2) در این صورت شما از مقربان بارگاه

ص: 49

---

1- مقتل مقرر، ص 226

2- سوره ی شعراء، آیه ی 42

منید». یعنی در حکومت شغل و منصب به شما می‌دهم. وقتی موسی علیه السلام غالب شد، سحره‌ی فرعون چون اهل فن بودند، فهمیدند کار موسی از حقیقت است، جادو نیست؛ چون عصای موسی ازدها شد و همه‌ی وسائل جادو را بلعید و دوباره به صورت عصا درآمد. و این جز حقیقت چیزی نمی‌تواند باشد. بعد از دیدن حقیقت داد زدند:

« أَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ » (1)؛ ما به پروردگار جهانیان، پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم.»

یارم چو قدح به دست گیرد\*\*\* بازار بتان شکست گیرد

این‌ها همه بت بودند. همه شکست خوردند. حضرت موسی قدح در دست داشت و آن‌ها را شکست داد. فرعون به سحره گفت: قبل از این که از من اجازه بگیری، ایمان آورید؟! شما را به درخت‌های خرما آویزان می‌کنم. دست‌ها و پاها را بر خلاف هم قطع می‌کنم. گفتند: هر کاری دلت می‌خواهد انجام بده، هیچ مانعی ندارد. تو خیال کردی ما از مرگ و جدایی دست و پا می‌ترسیم. «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (2)؛ ما به سوی پروردگارمان دگرگون شدیم.» از این رو به آن روشدیم. تادیروز دنیا دوست بودیم، امروز خدایی شدیم. ما یقین کردیم موسی راست می‌گوید. هر کاری دلت می‌خواهد انجام بده.

از باور خیلی کار می‌آید. ضعف بشر در باور است. بین خداوند در قرآن می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (3)؛ ای مؤمنین ایمان

ص: 50

---

1- سوره‌ی شعرا ایه‌ی 47-48

2- سوره‌ی شعرا ایه‌ی 50

3- سوره‌ی نساء ایه‌ی 136

بیاورید.» یعنی اگر خوب ایمان نیاورده اید و خوب باور نکرده اید و با زبان ایمان آورده اید، بیایید با قلب و دل ایمان بیاورید.

این ویژگی یاران حضرت ابا عبدالله علیه السلام بود. لذا در شب عاشورا مسابقه می دادند. یکی از اصحاب با بریر شروع به شوخی کرد. بریر برگشت و به او گفت: امشب هم شب شوخی است؟! گفت: اتفاقاً امشب شب شوخی است. فردا به وصال می رسیم. همه ی هجران ها به پایان می رسد. فردا - ان شاء الله - به لقاء می رسیم. امشب شب شوخی است. این چنین وصال و وعده های حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را باور کرده بود.

## دل های آهنین

یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز اهل یقین و باورند. امام صادق علیه السلام فرمود:

كُنْزُ الطَّالِقَانِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَرَايَةٌ لَمْ تُشَدَّرْ مِنْهُ طُوبَىٰ وَرِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ (1)؛ در طالقان گنجی است که طلا و نقره نیست، و پرچمی است که از زمانی که پیچیده شده است، باز نشده. و

مردانی که قلوبشان همانند تکه های آهن است.

حدود هجده نفر از سیزده نفر یاران حضرت در طالقان هستند. منطقه ی عجیب و غریبی است. حالا این طالقان کدام طالقان است، نیازمند بحث مفصلی است. طالقان کرج یا طالقان مازندران. در آنجا سادات محله دارند. طالقان جای دگر است. آن ها مردانی هستند

ص: 51

که گویا دل هایشان مثل تکه آهن می ماند. هیچ شکی مخلوط قلوب در این ها نمی شود. ذره ای شک و تردید در مسیر و راهشان وجود ندارد. با صلابت، قرص و محکم هستند. همه دنیا شک و تردید می کنند در اینها شک و تردید نیست.

این گونه نیست که با القا شبهات از پای در بیایند. به هیچ وجه در اعتقاداتشان متزلزل نمی شوند. برخی افراد مذبذب هستند؛ مثل پرورش بوقلمون. «هر لحظه به شکلی بت عیار درآمد.» به رنگ های مختلف.

گاهی مؤمن، گاهی کافر، گاهی منافق، گاهی مرتد، گاهی سست. ولی یاران حضرت اهل این حرف ها نیستند. در عقاید و در تفکرات خود قرص و محکم اند. و این یک ویژگی مشترک بین یاران اباعبدالله و یاران حضرت مهدی علیه السلام است.

### ارادتی عاشقانه

دومین ویژگی زیبای یاران حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام و یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام عشق به امامان معصوم علیه السلام است. یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام همه عاشقانه و پروانه وار به گرد وجود آن حضرت می گشتند.

مادر ره عشق تو اسیران بلائیم\*\*\* کس نیست چنین واله و شیدا که ماییم

بر ما نظری کن که در این شهر غریبیم\*\*\* بر ما کرمی کن که در این ملک گداییم

ص: 52

ما را نه غم دوزخ و نه شوق بهشت است \*\*\* بردار زرخ پرده که مشتاق لقاییم

ما را از تو سری است که کس محرم آن نیست \*\*\* گرسربرود سر تو باکس نگشاییم

همه ی وجودشان حسین بود. یک آخ در وجودشان نبود. میدان می رفت و فریاد می زد «آمیری حَسْبُیْنُ وَنَعَمَ الْأَمِیرُ (1)؛ امیر من امام حسین است و چه زیبا و نیکو امیری است.»

## یاران شیدایی

مسلم بن عقیل با حقه و نیرنگ دشمن دستگیر شد والا نمی توانستند او را دستگیر کنند. با شجاعت می جنگید. پانصد نفر به سرکردگی محمد ابن اشعث به جنگ یک نفر آمده بودند. همه را تار و مار کرد. محمد ابن اشعث به ابن زیاد پیغام داد که نیرو بفرست.

گفت: خاک بر سرت کنم! پانصد نیرو به تو داده ام نتوانستی یک نفر

را دستگیر کنی. گفت: تو خیال می کنی من را به جنگ یک آدم معمولی و عادی فرستاده ای «بَعَثْتَنِي إِلَى ضَرْغَامٍ (2) مرا به سوی یک شیر بیشه فرستاده ای.» او شیر است. مگر می توان در برابر شیر کاری کرد، افراد را می گرفت به پشت بام پرت می کرد. چه قدر اهل یقین بود. خودش را نباخته بود. بعد از دستگیری، دست هایش بسته بود. می داند به شهادت

ص: 53

---

1- بحار الانوار، ج 45، ص 27، المناقب، ج 4، ص 104

2- حار الانوار، ج 44، ص 354.

خواهد رسید. وقتی وارد قصر شد، گریه می کرد. ابن زیاد گفت: چرا گریه می کنی؟ گفت: تو خیال می کنی من به خاطر خودم گریه می کنم. من برای حسین زهرا گریه می کنم. نامه نوشتم آقا جان بیا. برای خودم گریه نمی کنم، خودم به فدای امام حسین علیه السلام به این می گویند عشق. خودش را فراموش می کند و به یاد معشوق و محبوب است. همه ی یاران، عاشق و وشیدا و واله حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بودند. محو جمال حضرت بودند.

دل من رای تو دارد\*\*\* سر سودای تو دارد

دل من مست خیالت\*\*\* سر من محو جمالت

گهر دیده نثار\*\*\* کف دریای تو دارد

زخم تیر و شمشیر می خورد، ولی احساس درد نمی کند. آنان عاشقانی بی نظیر و بی بدیل بودند. پروانه وار به گرد وجود آقا امام حسین علیه السلام می گشتند.

### اطاعتی خالصانه

یاران حضرت ولی الله الاعظم حضرت مهدی علیه السلام نیز عاشقانی سر از پا نشناخته ی امام زمان علیه السلام هستند. در همان روایت و حدیث معروف طالقان نیز آمده است:

وَهُمْ أَطَوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛ از نظر اطاعت، از یک کنیز در برابر

مولا مطیع ترند.

همان طور که یک کنیز خودش را مالک نمی داند و اربابش هر دستوری بدهد انجام می دهد، این حالت در یاران امام زمان بیشتر و



قوی تر است. نفرموده عبد؛ چون عبد یک قدرتی دارد و ممکن است فرار کند. عبد اَبق و فراری داریم، ولی کنیز فراری نداریم. عبد اَبق ممکن است یک سیلی به گوش مولا و سرورش بزند، اما کنیز ضعیف تسلیم محض است. یاران امام زمان علیه السلام در اطاعت و پیروی از امام زمان علیه السلام مطیع تر و فرمانبردارتر از کنیزکان اند.

### بوسه گه اهل نظر

ویژگی دوم یاران امام زمان علیه السلام این است:

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْأَمَامِ وَيَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرْكَةَ؛ به زین اسب امام

زمان علیه السلام دست می کشند و به آن تبرک می جویند.

گر میسر نشود بوسه زخم پایش را\*\*\*هرکجا پای نهد بوسه زخم جایش را

جایگاه امام زمان علیه السلام را بوسه می زنند و تبرک می کنند.

هر زمینی که نشان کف پای تو بود\*\*\*سال ها بوسه گه اهل نظر خواهد بود

### حمایت عاشقانه

ویژگی سوم یاران امام زمان علیه السلام چنین است:

«يُقَوِّنُهُ بِأَنْفُسِهِمْ وَيَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ فِيهِمْ». حضرت را با جانشان و با

وجودشان حفظ می کنند و از امام زمانشان حمایت می کنند. هر چه امام زمان علیه السلام از آن ها می خواهند و اراده می کنند، انجام میدهند. «از توبه یک اشاره از من به سر دویدن.» امور حضرت را کفایت می کنند.

یاران امام زمان علیه السلام و یاران حضرت سید الشهداء، هر دو دارای این ویژگی هستند.

حضرت اباعبدالله علیه السلام به بالین حبیب بن مظاهر آمدند و فرمودند: «لله درك يا حبيب؛ خوبی و احسان توبه ما برای خدا بود، نه چیز دیگر و خدا حساب می کند.» بعد فرمود: «لَقَدْ كُنْتَ فَاضِلاً تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ»<sup>(1)</sup> ای حبیب، چه برگزیده مردی بودی. در یک شب ختم قرآن می کردی!» من یک جزء قرآن نمی خوانم، اما حبیب بن مظاهریک ختم قرآن می کرد.

هفتاد و دو سر آوردند و وارد مجلس یزید کردند. یک سر بود که خیلی جلب توجه یزید کرد. دید از این سر نور می بارد. سیمای صلحا و شایستگان دارد. پیشانی اش آثار سجده های طولانی دارد. گفت: این سر کیست؟ گفتند این سر بریده قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام است.

شب عاشورا را برای زمزمه مهلت گرفتند.

به یارب یارب شب زنده داران \*\*\* به امید دل امیدواران

راوی می گوید: یاران حضرت «ما بین راکع و ساجدٍ وقائمٍ»<sup>(2)</sup> مشغول رکوع و سجود و قیام و عبادت بودند.» شب عاشورا تا صبح مشغول ذکر و قرآن و زمزمه و یارب یارب بودند.

### همچون زمزمه ی زنبور عسل

چنین افرادی با چنین ویژگی باید هم یار امام حسین علیه السلام باشد. باید اهل دل و اهل شب و اهل راز و نیاز باشد. یاران امام زمان علیه السلام هم دقیقا

ص: 56

1- دمع السجوم، ص 141

2- بحار الانوار، ج 44، ص 394

همین طورند. در روایت آمده است: «لَهُمْ دَوِيُّ كَدَوِيَّ النَّحْلِ»<sup>(1)</sup> زمزمه ی زنبور عسل را شنیده اید؟ قشنگ و جالب و زیباست. بعضی از بندگان خوب خدا در دل شب بلند می شوند، گاهی قطرات اشکی می ریزند. بعضی ها با صدای بلند گریه می کنند، اما زود آرام می گیرند. می گویند باران بلند علامت این هست که زود از کار می افتد. برگ های درشت زود می افتد. اما بعضی زیبا زمزمه و گریه می کنند. گریه ی آن ها قشنگ و زیباست. مثل زنبور عسل زمزمه و گریه می کنند. زمزمه ویژه و خاصی دارند.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند\*\*\* که آه نیمه شبی رفع صد بلا بکند

## یاد نماز

ویژگی دیگر یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام این است که اهل نماز بودند. ظهر عاشورا در برابر امواج گلوله های دشمنان با قامت جاودانه تاریخ به امامشان اقتدا کردند. الله اکبر گفتند و به رکوع و سجده رفتند و نمازشان را خواندند. شب عاشورا هم همین طور. لذا در برابر آن ها شهادت می دهیم: «أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ؛ شَهَادَتٌ مِیْ دِهِمُ كِهْ شَمَا نَمَاز رَا بَهْ پَا دَاشْتِید وَ زَنَدَه كَرْدِید.»

ابو ثمامه ی صیداوی ساعدی هم نگاهی به آسمان کرد و به امام حسین علیه السلام گفت: یا ابا عبدالله، به خدا قسم دوست دارم قبل از شما به شهادت برسیم. من پیش مرگ شما هستم. از شما دفاع می کنم. تا زنده

ص: 57

باشم، نمی گذارم آسیبی به شما برسد، ولی دوست دارم نمازی هم با

شما بخوانم، بعد به شهادت برسم. حضرت نگاهی به آسمان کردند و امام فرمودند: «ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (1)؛ ما را به یاد نماز انداختی، خدا تو را از نمازگزاران و یادآوران و ذاکرین خودش قرار بدهد.»

این منطق یاران حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بود. قرآن هم وی درباره ی یاران امام زمان علیه السلام می فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (2) که اگر قدرت و توانایی به یاران حضرت مهدی علیه السلام ببخشیم از قدرتشان استفاده می کنند و نماز را به پا می دارند و نماز را زنده می کنند. جامعه را به خواندن نماز با آداب ظاهری و با آداب باطنی فرمان می دهند.

از دیگر اشتراکاتی که بین یاران حضرت مهدی علیه السلام و حضرت اباعبدالله علیه السلام وجود دارد، این است که یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام برای دفاع از حریم امامت و ولایت برخاستند. حضرت قاسم ابن الحسن علیه السلام وقتی می خواست خودش را معرفی کند، فرمود:

ان تنكروني فانا ابن الحسين\*\*\* سبط النبي المصطفى المؤمن

هذا حسين كالأسير المرتهن\*\*\* بين أناس لاسقوا صوب المزن(3)

اگر من را نمی شناسید من قاسم فرزند امام حسن مجتبی هستم. من از نوادگان رسول الله هستم. این حسین است که در محاصره ی شماست.

ص: 58

---

1- بحار الانوار، ج 45، ص 21؛ ابصار العین، ص 70

2- سوره ی حج، آیه ی 41

3- بحار الانوار، ج 45، ص 34

آن گاه تقرین کرد که خدایا ابر باران دار بهشان نده. ای ابرها بر این اعداء و دشمنان امامت و ولایت باران نبارید.

مسلم بن عوسجه به زمین افتاده است. آخرین انفاس قدسیه خود را طی می کند. حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام به بالین مسلم بن عوسجه آمده اند. حبیب بن مظاهر هم در جوار حضرت آمد. حبیب گفت: من اگر بعد از تو می ماندم، دوست داشتم وصیت تو را بشنوم و به وصیت تو عمل کنم، ولی من هم به تو ملحق می شوم. الان وقت ندارم به وصیت عمل کنم. دید مسلم بن عوسجه زیر لب چیزی می گوید. صدا ضعیف و قابل شنیدن نیست. گوشش را نزدیک لب های مسلم آورد تا ببیند چه می گوید. دید می گوید: «أوصیک بهذا رَحِمَكَ اللهُ أَنْ تَمُوتَ دُونَهُ (1)» تو را به این مرد سفارش می کنم که جان خود را فدای او کنی.» یعنی چرا وقت داری به وصیت من عمل کنی. وصیت من این است که این آقای مظلوم را تنها نگذاری. یاری اش کن.

یاران امام زمان هم یکی از سفارش هایشان شعار دفاع از ابی عبدالله الحسین علیه السلام است. در شعارهایشان می گویند: «يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» و «أَمِتْ أَمِتْ».

شعار دیگر اصحاب امام حسین علیه السلام نابودی جهالت بود. نابودی یزید و یزیدیان بود. قیام آن حضرت به خاطر این بود که جهل و نادانی مردم را از بین ببرند و به آن ها بفهمانند یزید لیاقت رهبریت جامعه را ندارد. یاران امام زمان علیه السلام هم دقیقا برای این شعار حرکت می کنند. در احادیث و روایات ما وارد شده است که یکی از شعارهای یاران ولی الله

ص: 59

الاعظم این است: «يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ»-

ای کسانی که یک عمر در زیارت عاشورا در محافل و مجالستان فریاد می‌زدید. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ خدایا رزق و روزی عطا کن که در جوار امام زمان علیه السلام خونخواه امام حسین علیه السلام باشم و انتقام خورش را بگیرم. جالب این است که این مطلب دوبار در زیارت عاشورا مطرح شده است. یک بار به عنوان امام منصور و یک بار هم «مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ». این شعار، شعار دفاع از امامت و دفاع از ولایت است. دفاع از خط و مسیر حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه السلام است.

شعار دیگرشان هم این است: «آمِتْ آمِتْ» یعنی بمیران. جاهلیت دشمنان را بمیرانید. اسرائیل غرب و رسوم جاهلیت را بمیرانید. سکولار، لیبرال و لائیک را بمیرانید. هر چه جز قرآن و مکتب اسلام است، هر چه جز امامت و ولایت و ارزش‌های دینی و الهی است.

این شعار، شعار یاران حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه السلام بود که آمده بودند در کربلا تا همه رسوم جاهلیت را بمیرانند.

ص: 60

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ، وَيَحْفُونَ بِهِ يَقْوَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ، وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ. رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَدَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ، وَيُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ بِه زَيْنِ اسْبِ امَامِ زَمَانِ دَسْتِ مِي كَشْتَنْدِ وَبِه آن تبرک می جویند. گرداگرد آن حضرت را می گیرند و در جنگ ها خود را سپر بالای حضرتش می کنند و آنچه را اراده کند، به جا آورند. در میان اصحاب حضرت کسانی هستند که شب ها نمی خوابند و همچون زنبور عسل زمزمه می کنند.

امام صادق علیه السلام

### تشابه یاران

وقتی به مجموعه صفات اصحاب و یاران این دو امام همام و معصوم می نگریم. این اصحاب را بسیار به هم نزدیک می بینیم. شاید بتوانیم ادعا کنیم نزدیک ترین اصحابی که با هم پیوند و ارتباط تنگاتنگ دارند، یاران امام زمان و یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام هستند. به مجموعه روایات و تاریخ کربلا که نگاه می کنیم، به این نتیجه می رسیم

أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أُؤْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي (1) حضرت امام حسين عليه السلام فرمودند: من اصحاب و يارانى باوفاتر و برتر از اصحاب و ياران خودم سراغ ندارم.

در جهان خلقت و آفرينش حرف اول را اصحاب و ياران حضرت مى زنند. اين تقدم اصحاب امام حسين عليه السلام را بر اصحاب انبياء اوصياء و اوليا مى فهماند. در صدد مقايسه نيستم وگرنه نکته هاى بسيار ظريف و زيبايى براى مقايسه وجود دارد. اين وضعيت ياران ابى عبدالله الحسين عليه السلام است كه حضرت مولا اميرالمؤمنين عليه السلام نيزيك چنين تا شهادتى را در عظمت ياران حضرت داده اند.

### فلسفه ی قیام

بحث دوم فلسفه ی قیام است. حضرت به چه فلسفه ای قیام کردند و تاريخ منور و فرهنگ جامع و كامل زيبای كربلا را به وجود آوردند. خود حضرت در سخنان شريفشان فلسفه ی قيامشان را مطرح فرمودند. همه ی فلسفه هاى آن قيام، دقيقاً در فلسفه و قيام حضرت آقا امام زمان عليه السلام هم وجود دارد، بدون كم و كاست. اصلاً ظهور امام زمان عليه اسلام براى تحقق همه ی فلسفه هاى كربلا است. اين هم يك ارتباط تنگاتنگ بين كربلا و بين قيام حضرت.

نکته ی سوم ارتباط تنگاتنگ و اشتراکی است که بين حضرت

اباعبدالله الحسين عليه السلام و حضرت مهدی عليه السلام وجود دارد. اين هم خودش زيباست.

ص: 62



یاران حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام یک ویژگی های خاص و منحصر به فرد داشتند. یک ویژگی شان ویژگی عشق و محبت استثنایی، هم نسبت به خدا و هم نسبت به ابی عبدالله الحسین علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرمودند: حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از جنگ صفین وارد سرزمین کربلا شدند. دیدم حضرت منقلب شدند. بعد از انقلاب این جمله را فرمود:

إِنَّ هَاهُنَا مَصَارِعُ عَشَّاقٍ شُدَّ هَدَاءُ لَا يَسُدُّ بِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ؛ (1) این سرزمین، سرزمین شهادت عاشقان شهیدی است که احدی از گذشتگان و احدی از آیندگان قدرت مسابقه و مقایسه با آن ها را ندارند.

حضرت تعبیر به عشاق فرمودند: زیباترین تعبیر، تعبیر به عشق است. وقتی به لغت مراجعه می کنیم، عشق را این گونه معنا کرده اند. عشق یک نوع گیاه است که هر چه را در مسیرش پیدا کند به گرد او می گردد و بالا می رود. شبیه نیلوفر که هر چیزی باشد دور آن می گردد و بالا می رود. عاشق را از این نظر عاشق می گویند که به گرد معشوق می گردد و بس. به غیر از معشوق به چیز دیگری نمی اندیشد. عاشقان کشتگان معشوق اند\*\*\* برنیایدزکشتگان آواز

این حال اصحاب امام حسین علیه السلام روز عاشورا بوده است. جز به حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام به چیز دیگری فکر نمی کردند. اگر ما بخواهیم زبان حالشان را به تصویر شعر بکشیم باید بگوییم:

ص: 63

مادر ره عشق تو اسیران بلائیم \*\*\*\* کس نیست چنین واله و شیدا که ماییم

برما نظری کن که در این شهر غریبیم \*\*\* برما کرمی کن که در این ملک گداییم

ما را نه غم دوزخ و نه شوق بهشت است \*\*\* بردار زرخ پرده که مشتاق لقاییم

ما را از تو سری است که کس محرم آن نیست \*\*\* گرسر برود سرتو باکس نگشاییم

روایت آمده است: «المؤمنُ غریبٌ» (1) چون دنیا منزل او نیست. خانه

من و شما اینجا نیست. منزل ما جای دگر است.

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود \*\*\* آدم آورد در این دیر خراب آبادم

این زبان حال یاران خامس آل ابا حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام بود. وقتی حضرت مرخصشان می کردند، می افتادند و پای حضرت را می بوسیدند.

نافع مگر این کار را نکرد؟ پای حضرت را می بوسید. قاسم مگر

التماس نمی کرد؟ بچه گاهی که از پدرش خواهش و تمنایی دارد، برای اینکه به خواهشش برسد، حالت شیرینی پیدا می کند. حضرت قاسم دید عمو اجازه نمی دهد. دست هایش را روی زانوی عمو گذاشته و یک

ص: 64

پارا جلو می آورد و یک پا را عقب می برد. عمو تو را به خدا به من اجازه می بده! خواهش و اصرار می کند تا از امام حسین علیه السلام اجازه بگیرد. آخرالامر نوشته ای را نشان حضرت داد. امام حسن علیه السلام نامه ای نوشته بود که ما حضرت قاسم علیه السلام به بازویش بسته بود که روز عاشورا برادرم را یاری کن (1).

## تبرک عاشقانه

اگر به تک تک اصحاب حضرت نگاه کنیم، همه ی آن ها عاشق و

واله بودند. یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز عاشق خدا و عاشق حضرت اند.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام زمان علیه السلام فرمودند:

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّ رِجِّ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ، وَيَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ، وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ. رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ، وَيُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ (2) به زین اسب امام زمان دست می کشند و به آن تبرک می جویند. گرداگرد آن حضرت را می گیرند و در جنگ ها خود را سپر بلای حضرتش می کنند و آنچه را اراده کند به جا آورند. در میان اصحاب حضرت کسانی هستند که شب ها نمی خوابند و همچون زنبور عسل زمزمه می کنند. «لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ؛ يَارَانَ حَضْرَتِ شَبِّهَا نَمِي خَوَابِنْد.» چرا نمی خوابند؟ چون «لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ؛ دَرِ نَمَازِشَانِ بَه مَانَدِ زَنْبُورِ عَسَلِ گَرِيه مِي كَنْد.» گریه ها و زمزمه های قشنگ.

ص: 65

1- مدینه معجز، ج 3، ص 366

2- بحار الانوار، ج 52، ص 307، ح 82

به یارب یارب شب زنده داران\*\*\* به امید دل امیدواران

در کلاس توحیدند. در کلاس عشق به خدا به سر می برند.

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّهِ رَجِ الْاِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ؛ به زین مرکب امام زمان علیه السلام تبرک می جویند. و اصحاب و یاران می آیند دست هایشان را به زین مرکب حضرت می کشند و به نیت تبرک به سر و صورت خود می مالند. این نهایت به عشق است. انسان وقتی به کسی عشق می ورزد، به وجود او تبرک می جوید. در دیوار خانه اش را می بوسد. ضریح مطهر و مقدسش را می بوسد. این علامت و نشانه ی عشق است. وهابی ها دست را می بوسند، ولی حاضر نیستند ضریح مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بوسند. چقدر آدم باید بدبخت و بیچاره باشد!

هر که گریزد ز خراجات شام\*\*\* باج ده غول بیابان شود

باید به فهد و امثال او باج دهد. وقتی که از حقیقت منحرف شود،

این امر طبیعی است.

## فانی در ولایت

امام صادق علیه السلام فرمودند: یاران امام زمان علیه السلام مطیع ترند نسبت به حضرت از کنیز نسبت به سیدش. یک کنیز چگونه با همه ی وجود از سید و مولایش اطاعت می کند، یاران امام زمان از او مطیع تر و قویترند. گویا فانی در ولایت و وجود امام زمان علیه السلام شده اند. این نهایت عشق یاران را به حضرت می رساند.

«وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ» انسان که تقاضایی دارد. گاهی تقاضایش را به

زبان می آورد و کسی آن را انجام می دهد. و گاهی کسی چنان دست به سینه و چاکر و نوکر است که فقط نگاه می کند به محبوبش ببیند چه می خواهد. فراست هم دارد. از حرکات و سکنات محبوبش به اراده او پی می برد و آن را انجام می دهد. اصحاب امام زمان این گونه اند. حضرت اراده می فرماید و آنها امور حضرت را کفایت می کنند. فقط منتظر اشاره حضرت هستند.

از توبه یک اشارت \*\*\* از من به سر دویدن

دور حضرت را احاطه می کنند و در جنگ ها از جان حضرت محافظت می کنند. «يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ» سپر بلای جان حضرت اند. وجود منور حضرت را با جان خود حفظ می کنند. در حقیقت فدایی امام خویش هستند. همان عشق یاران ابی عبدالله الحسین علیه السلام در وجود یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام هم هست.

اما فلسفه قیام امام حسین علیه السلام را در زیارت نامه ی آن حضرت می خوانیم: «اشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اقامه ی نماز به زنده کردن پیام نماز است. اقامه ی نماز مگر با امامت و ولایت ممکن نیست. اقامه ی نماز منهای امامت و ولایت محقق نمی شود. خیال نکنیم که به یک چیز ساده ای شهادت می دهیم.

پیام نماز، پیام «هیئات منّا الذّله» و پیام عزت بود. پیام نماز، پیام مدد از ولایت بود. بای «بسم الله» بای استعانت است. علی علیه السلام فرمودند: «أَنَا النَّقْطَةُ؛ (1) من نقطه هستم.»

ص: 67

نقطه ی زیربنا نماز و عبادت ما به مدد ولایت است.

« آتیت الزکاة » یعنی زکات مال و جان و بچه و آبرو را دادی. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا همه نوع زکات پرداخت. امر به معروف و نهی و از منکر کرد.

قرآن هم درباره ی یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این چنین فرموده است:

«الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (1)

حضرت وقتی که تشریف می آورند، اولین کاری که می کنند، بعد از

معرفی اجمالی نیم دقیقه ای، روضه ی آقا امام حسین علیه السلام را می خوانند «یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛ (2) ای اهل عالم، بدانید که جدم حسین را با لب تشنه به شهادت رساندند.»

ص: 68

---

1- سوره حج ایه ی 41

2- الزام الناصب، ج 2، ص 282

1. قرآن مجید.
2. بحار الانوار، علامه ملا محمد باقر مجلسی، داراحیاء التراث العربی، ما بیروت، 1983 م.
3. الکافی، الشیخ محمد بن یعقوب الكلینی، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، 1401 ق.
4. نهج البلاغه، با ترجمه محمد رضا آشتیانی و محمد جعفر امامی، نشر امام علی علیه السلام، قم، 1369 ش.
5. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، با ترجمه مهدی الهی قمشه ای، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1374 ش.
6. الامالی، محمد بن علی بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، مؤسسة الأعلمی، بیروت، 1990 م.
7. اقبال الاعمال، سید ابن طاوس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1367 ش.
8. المصباح، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، انتشارات رضی، قم، 1405 هـ.
9. الاحتجاج، ابو منصور احمد الطبرسی، مؤسسة الأعلمی، بیروت، 1989 م.
10. لهوف (الملهوف) علی قتلی الطفوف، علی بن موسی بن جعفر بن طاوس، دارالاسراء، 1383 ش.
11. مقتل الحسین، خوارزمی، مكتبة المفید، قم.

12. مقتل الحسين، سيد عبدالرزاق المقرم، آل على عليه السلام، قم، 1434 ق.

13. المناقب، الشيخ محمد بن على بن شهر آشوب المازندراني، دارالاضواء، بيروت، 1991 م.

14. مثير الاحزان، ابن نما الحلبي، منشورات مدرسة الامام المهدي، قم، 1406 ق.

15. دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم)، ميرزا ابو الحسن شعراني، علميه اسلاميه، تهران، 1374 ق.

16. ابصار العين في انصار الحسين عليه السلام، شيخ محمد بن طاهر سماوي، الشريف الرضي، قم.

17. الارشاد، محمد بن محمد بن النعمان العكبري (شيخ مفيد)، مؤسسة

الاعلمي، بيروت، 1982 م.

18. مدينة معاجز، سيد هاشم بحراني، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، 1414 ق.

19. الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف، شيخ على يزدي حائري، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، 1404 ق/1984 م.

ص: 70







بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

